



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۱۲	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۲۹
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل بحث پیشین

بحث در این بود که در فرض وجود دو علم اجمالی متضاد یا مخالف - یعنی یک علم اجمالی به وجوب احد الامرین و علم اجمالی دیگر به حرمت احدهما - که یکی از این دو علم اجمالی، مقتضای اصالة الاشتغال است و در طرف دیگر خبری وجود دارد که لزوم عمل به این خبر واحد از طریق علم اجمالی به صدق برخی از اخبار واحد برای ما متنجز شده است، و این دو علم اجمالی در یک مورد (یکی از اطراف) با یکدیگر مشترک هستند، تکلیف چیست.

برای روشن تر شدن مطلب، مثال نماز ظهر و نماز جمعه را که به ذهن نزدیک تر است، مطرح می کنیم. فرض کنید علم اجمالی داریم به وجوب نماز جمعه یا نماز ظهر؛ یعنی یا نماز ظهر بر ما واجب است یا نماز جمعه. از طرفی، خبر واحدی نیز وجود دارد. می دانیم که یکی از دو خبر واحد از میان اخبار واحد فراوانی که در دست است، صادق است؛ لذا عمل به تمام این اخبار برای عمل به آن یک خبر الزامی واقعی، لازم خواهد شد. به عبارت دیگر: فرض کنید خبری دال بر حرمت نماز جمعه یا خبری دال بر حرمت لعب شطرنج در دست داریم. در دایره اخبار واحدی که دلالت بر حرمت دارند، علم اجمالی داریم که یا این خبر (حرمت نماز جمعه) صادق است یا آن خبر (حرمت لعب شطرنج)؛ و بر اساس این علم اجمالی، احتمال کذب هر دو خبر منتفی است. یعنی از میان اخبار متعدد دال بر حرمت، یقین داریم که یکی از این دو خبر مورد بحث، باید صادق باشد. در این مثال، دو علم اجمالی ما در «نماز جمعه» با یکدیگر مشترک هستند و این، ماده اجتماع آنهاست. بنابراین از یک سو، می دانیم یا نماز ظهر بر ما واجب است یا نماز جمعه - که در اینجا نماز جمعه، طرف علم اجمالی به وجوب است - از سوی دیگر، می دانیم یا نماز جمعه حرام است یا لعب شطرنج حرام است؛ زیرا خبر دال بر حرمت یکی از این دو وارد شده و علم اجمالی به صدق یکی از این دو خبر تحریمی داریم.

در چنین فرضی، در محل اجتماع (نماز جمعه)، این دو علم اجمالی با یکدیگر تضاد داشته و قابل امتثال همزمان نیستند و لذا تساقط می کنند. در این حالت، فرضاً علم اجمالی سومی برای ما متولد می شود مبنی بر اینکه: «یا نماز ظهر بر ما واجب است، یا لعب شطرنج بر ما حرام است».

استاد شهید، آیت الله صدر رحمته الله علیه می فرماید: اگر علم اجمالی ما با برهان ثابت می شد - یعنی با برهان ثابت می شد که از بین دو خبری که یکی دال بر حرمت نماز جمعه و دیگری دال بر حرمت شطرنج است، یکی حتماً صادق است؛ مانند خبر معصوم که پشتوانه آن برهان است و صدق اخبار معصوم مبتنی بر برهان است - در آن صورت، اگر معلوم می شد که نماز جمعه حرام نیست یا به عبارتی تنجیز حرمت آن ساقط شده و دیگر مطالبه ای به حرمت نماز جمعه وجود نداشت، در نتیجه حرمت شطرنج ثابت می شد؛ زیرا وقتی سقوط حرمت نماز جمعه با برهان ثابت شود، ثبوت حرمت طرف دیگر (شطرنج) قطعی است. آنگاه امر دائر می شد بین وجوب نماز ظهر و حرمت شطرنج. این علم اجمالی سوم، در صورتی که معلوم بالاجمال دوم (حرمت یکی از دو مورد) با برهان اثبات شده باشد، صحیح و قابل استنتاج است.

اما مورد بحث ما فرضی است که این خبر دال بر اینکه یا نماز جمعه حرام است یا لعب شطرنج حرام است، از طریق علم اجمالی مبتنی بر حساب احتمالات به دست آمده است؛ یعنی با حساب احتمالات به این یقین رسیده ایم که یکی از این دو امر، حرام است.

بحث اصلی ما در تعارض بین یک اصل الزامی - مانند اصالة الاشتغال که مقتضی وجوب نماز جمعه یا نماز ظهر است - و یک خبر الزامی - که مقتضی حرمت نماز جمعه یا لعب شطرنج است و حجیت آن مبتنی بر علم اجمالی به صدق یک خبر از این اخبار از طریق حساب احتمالات است - می باشد.

اگر قاعده مرسوم در اطراف علم اجمالی (مبنی بر اینکه اگر معلوم بالاجمال در یک طرف ثابت شد، در سایر اطراف نیست و اگر در یک طرف نفی شد، در سایر اطراف هست) در اینجا جاری شود، چنین نتیجه گیری می شود: معلوم بالاجمال ما حرمت احد الأمرین (نماز جمعه یا لعب شطرنج) است. اگر حرمت نماز جمعه منتفی شد، پس حتماً حرمت لعب شطرنج ثابت خواهد شد. در این صورت، علم اجمالی سومی شکل می گیرد که یا نماز ظهر واجب است یا لعب شطرنج حرام است؛ در این صورت، اگر نماز جمعه واجب بود، لعب شطرنج حرام نیست و اگر لعب شطرنج حرام بود، نماز جمعه واجب نیست. اما طبق نظر شهید صدر رحمته الله علیه، این علم اجمالی سوم، در صورتی که علم اجمالی دوم (حرمت یکی از دو مورد) بر اساس حساب احتمالات به دست آمده باشد، شکل نمی گیرد؛ زیرا با انتفاء معلوم بالاجمال در یک طرف - مثلاً انتفاء حرمت نماز جمعه، در فرضی که نماز ظهر واجب نباشد و نماز جمعه واجب باشد، نمی توان ثبوت آن را در طرف دیگر (حرمت لعب شطرنج) نتیجه گرفت. علم اجمالی برخاسته از حساب احتمالات بیان می کند که این دو گزینه (حرمت نماز جمعه و حرمت شطرنج) در ضمن مجموعه بزرگ تری از اخبار الزامی قرار دارند و همگی آنها با هم نمی توانند کاذب باشند. اگر این علم اجمالی - مبنی بر صدق یکی از اخبار تحریمی از میان مجموعه بزرگی از اخبار - از طریق حساب احتمالات به دست آمده باشد، با خروج یکی از اطراف از دایره احتمال (مثلاً مشخص شدن تکلیف نماز جمعه)، آن علم اجمالی اولیه که مبتنی بر کل مجموعه بود، به هم می خورد.

به عبارت دیگر، فرض بر این است که علم اجمالی ما به اینکه «یا نماز جمعه حرام است یا لعب شطرنج حرام است» از آنجا ناشی شده که این دو خبر، جزئی از مجموعه بزرگی - مثلاً صد خبر دال بر حرمت - هستند که علم اجمالی داریم همگی آنها نمی‌توانند کاذب باشند و لافل یکی از آنها صادق است. علم اجمالی ما این است که در این صد خبر، همگی نمی‌توانند کاذب باشند. بنابراین، اگر یکی از این اخبار - مثلاً خبر مربوط به نماز جمعه - از دایره بررسی خارج شود یا تکلیفش به نحو دیگری مشخص گردد - مثلاً واجب بودن آن ثابت شود و در نتیجه حرام نباشد - دیگر نمی‌توان گفت در ۹۹ خبر باقی مانده، لزوماً یکی صادق است به همان نحو که در مورد صد خبر گفته می‌شد؛ زیرا آن علم اجمالی اولیه، قائم به مجموعه صد خبر بود. با کذب یا تعیین تکلیف یکی، نمی‌توان صدق قطعی یکی از باقی مانده‌ها را - صرفاً با اتکاء به آن علم اجمالی اولیه - اثبات کرد.

اگر در مثال حرمت نماز جمعه یا حرمت شطرنج، علم اجمالی به صدق یکی از این دو خبر و در نتیجه حرمت یکی از این دو فعل داشته باشیم و سپس معلوم شود که نماز جمعه واجب است - و لذا حرام نیست - این بدان معنا نیست که خبر دال بر حرمت نماز جمعه کاذب شده و از مجموعه اخبار خارج شده است، بلکه معنایش این است که مفاد آن خبر تحریمی که مردد بین نماز جمعه و شطرنج بود، اکنون بر شطرنج منطبق می‌شود. اما این در صورتی است که علم اجمالی ما از ابتدا محدود به همین دو خبر بوده و با برهان ثابت شده باشد.

[در پاسخ به پرسش یکی از شاگردان:] فرض این است که یک طرف، اصل اشتغال داریم و طرف دیگر، خبر واحدی که حجیت آن با علم اجمالی به صدق یکی از اخبار - از میان مثلاً صد خبر تحریمی - بر اساس حساب احتمالات ثابت شده است؛ لذا باید به هر صد خبر عمل کرد تا به آن خبر تحریمی عمل شود. به عبارت دیگر: این خبر واحد چون یکی از اطراف آن علم اجمالی بزرگتر است، باید به آن عمل شود تا به تکلیف واقعی موجود در ضمن آن صد خبر عمل کرده باشیم. حال اگر این خبر خاص - مثلاً خبر دال بر حرمت نماز جمعه - به دلیل معارضه با علم اجمالی دیگر از تنجیز بیفتد، ما دیگر با آن مجموعه صد خبری اولیه مواجه نیستیم، بلکه با ۹۹ خبر مواجهیم. علم اجمالی اولیه ما می‌گفت در آن صد خبر، یکی صادق است. اکنون که یکی از آنها از دایره تأثیر خارج شده، دیگر نمی‌توان با استناد به همان علم اجمالی اولیه، گفت در ۹۹ تای باقی مانده نیز حتماً یکی صادق است؛ زیرا حساب احتمالات اولیه بر مبنای صد خبر بود و با تغییر این مبنا، آن یقین اولیه نیز دستخوش تغییر می‌شود. حساب احتمالات می‌گفت این صد خبر همگی نمی‌توانند کاذب باشند، نه اینکه ۹۹ خبر نمی‌توانند کاذب باشند. اگر حساب احتمالات برای صد خبر علم ایجاد کرده باشد، برای ۹۹ خبر ممکن است علم ایجاد نکند. وقتی یکی از موارد از دایره خارج شد، دیگر علم اجمالی به اینکه حتماً یکی از باقی مانده‌ها صادق است، به قوت خود باقی نیست.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين